

تطبیق نظریه شناختی مقوله بندی بر بافت زبانی صحیفه سجادیه؛ مطالعه موردی: واحد زبانی «بصر»

سید محمدرضی مصطفوی نیا^۱

مهدی کریمی امتنان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

چکیده

زبان شناسی شناخت‌گرا از روش‌های معنی شناسی جدید بوده که به مطالعه علمی زبان می‌پردازد. در این رویکرد، بافت زبانی به عنوان ابزار شناختی زمینه را برای تسری معانی یک واژه به حوزه‌های مختلف فراهم می‌کند. «مقوله بندی» که از آن به «طبقه بندی» نیز یاد می‌شود در ضمن زبان شناسی شناخت‌گرا تعریف می‌شود. اصل مقوله بندی ذاتی معنایی داشته که توسیع معنایی واژگان را در یک مقوله معنایی ترسیم می‌کند که اصطلاح علمی «شبکه شعاعی» بر آن اطلاق می‌شود. در این مقوله، معنای کانونی به عنوان عضو برجسته و پیش نمونه محوریت سایر معانی (معانی حاشیه‌ای) در دو خوشه توافقی و تقابلی و توسیع شمولی و مجازی قرار می‌گیرد. در پرتو چنین رویکردی، میراث دینی به دلیل ماهیت پویا نمونه مناسبی بوده تا ذیل الگوهای زبان شناسی شناخت‌گرا ارزیابی شوند. بر این اساس، در تحقیق کنونی فعل حسی - انتزاعی «بصر» از متن صحیفه سجادیه انتخاب شده تا در چارچوب معنا شناسی واژگانی و با رویکرد معنا شناسی هم‌زمانی و روش توصیفی - تحلیلی، اصل مقوله بندی پیش نمونه بنیاد بر آن تطبیق داده شود. این پژوهش، با این فرض که معنای پیش نمونه از مقوله انتزاعی بودن فعل «بصر» انتخاب می‌شود به این نتایج رسیده است که در منظومه فکری حاکم بر ادعیه صحیفه سجادیه واحد زبانی «بصر» دارای یک معنای سرنمون (ایجاد آگاهی در مردم) و چند معنای حاشیه‌ای است. دلیل استفاده امام علیه السلام از ساختارهای صرفی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، (نویسنده مسئول)
(mr.mostafavinia@qom.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم.

مختلف «بصر» دو عنصر مخاطب و واگذاری و عدم واگذاری نتیجه به مخاطب است. دیدن ظاهری (فیزیکی)، درک باطنی، خشوع، پشیمانی، عدم بصیرت، خوشحالی، آگاهی و بینش، چشم‌پوشی، روشنایی، قدرت تشخیص، بازشناسی و راهنمایی معانی حاشیه‌ای سرنمون هستند. بسط شمولی و مجازی مقوله و همچنین دو خوشه توافقی و تقابلی نسبت به هسته تقریباً متعادل است. از طرفی، این فرض که بسط مجازی با خوشه تقابلی همخوانی داشته مخدوش است. کلیدواژه‌ها: صحیفه سجاده، زبان‌شناسی شناخت‌گرا، بصر، مقوله‌بندی، پیش‌نمونه، شبکه شعاعی.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناخت‌گرا (Cognitive Linguistics) با نگاهی نوبه مباحث معناشناسی و در چارچوب تحلیل معنایی واژگان، برای هر واحد زبانی زنجیره‌ای از معانی را ترسیم می‌کند. در این رویکرد شناختی، معانی مختلف و مجزا که از بافت زبانی (Linguistic context) و در نتیجه با هم‌آیی‌های ترکیبی (Collocation) برای یک عنصر واژگانی استنباط و استخراج شده‌اند، به صورت نظام‌مند با هم در ارتباط‌اند.

باید توجه داشت که این چندمعنایی (Polysemy)، که محصول بافت‌های گوناگون است، نسبی بوده و بر انعطاف معنایی بالای واژگان دلالت دارد. بر این اساس، چنین رهیافتی صرفاً نگاهی به معنای فرهنگ لغتی واژه ندارد، بلکه چندمعنایی را با نگرشی نو تحت عنوان مقوله‌بندی (Categorization) بررسی می‌کند. در این نظریه، معانی مختلف یک واحد زبانی از یک معنای واحد به عنوان عضو کانونی (Proto-scene) مشتق و بسط داده شده‌اند و ارتباط معنایی چندگانه با معنای اولیه (Primary meaning) در شبکه‌ای با نام مقوله‌های شعاعی معنا یا شبکه معنایی (Semantic network) تعریف می‌شود.

در این نوع نگرش - که تمرکز بر معناشناسی متن است - میراث دینی نمونه مناسبی است تا با گنج‌اندیدن آن‌ها در چارچوب چنین نظریه‌هایی، انعطاف کاربردی واژگان در دستگاه معنایی و پویایی متون، با تکیه بر معنی‌شناسی ترکیبی، برجسته شود. صحیفه سجاده از جمله متون میراث اسلامی است که شامل ۵۴ دعا از امام سجاده علیه السلام است.

از آن‌جا که امام زین‌العابدین در این کتاب مقدس، ضمن مناجات با خداوند، مسائل عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را نیز بیان کرده است، معناشناسی واژگانی صحیفه

سجادیه برای آشنایی با گفتمان حاکم بر اندیشه امام سجاد علیه السلام و سنجش ظرفیت توسیع معنایی واژگان آن ضروری است.

براین اساس، در پرتو اهمیت و ضرورت موضوع، واحد زبانی «بصر» به دلیل نقش آن به عنوان یک مفهوم شناختی در نحوه تعامل انسان با جهان پیرامون و بازنمایی مفاهیم دیگر، انتخاب شده است تا با رویکردی شناختی، چندمعنایی این مدخل واژگانی در دعاهای صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی صورت فعلی «بصر» در فرهنگ‌های لغت معتبر عربی نشان می‌دهد که این واژه به طور کلی صورت حسی-انتزاعی دارد و بر «دیدن ظاهری و درک باطنی» دلالت می‌کند. به عبارتی، این واژه هم دارای دلالت برون‌زبانی (ارجاعی - Reference) و هم دلالت درون‌زبانی (غیرارجاعی - Sense) است و می‌تواند مفهومی را هم با مصداق خارجی و هم به کمک روابط درون‌زبانی بیان کند.

بررسی متن صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که این مفهوم حسی-انتزاعی در بافت زبانی و دلالت درون‌زبانی، به دلیل غلبه مفهوم انتزاعی در شبکه معنایی ایجاد شده، در معرض تغییر و تعدیلات قرار گرفته و غالباً ماهیت غیرارجاعی به خود می‌گیرد؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد امام سجاد علیه السلام در منظومه فکری خود باور چندانی به حسی بودن این عنصر واژگانی ندارد؛ زیرا در دستگاه معنایی صحیفه سجادیه، ماهیت حسی این مدخل در تعیین پیش‌نمونه دخالت ندارد و در زمره معانی حاشیه‌ای قرار می‌گیرد.

پژوهش پیش‌رو قصد دارد تا با بررسی متن صحیفه سجادیه از منظر زبان‌شناسی شناختی و با تکیه بر معناشناسی توصیفی-ترکیبی، بسط معنایی مدخل واژگانی «بصر» را تحت عنوان مقوله شعاعی معنا بررسی کند و شبکه معنایی و روابط مفهومی معانی حاشیه‌ای را در چارچوب معنای اصلی یا پیش‌نمونه ترسیم نماید.

۱-۱. سؤالات پژوهش

پژوهش پیش‌رو با این فرض که معنای پیش‌نمونه از مقوله انتزاعی بودن فعل «بصر» انتخاب می‌شود درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است.

۱. در مقوله شعاعی ایجاد شده از بافت زبانی صحیفه سجادیه در فعل حسی - انتزاعی

«بصر» پیش‌نمونه بر اساس کدام یک از این دو مفهوم مشخص می‌شود؟

۲. در منظومه فکری حاکم بر صحیفه سجاده صورت زبانی «بصر» معنای متعین و مشخصی دارد یا این که معنای سیالی دارد؟
۳. مدخل واژگانی «بصر» که دارای ماهیتی حسی - انتزاعی بوده در صحیفه سجاده در چارچوب کدام ماهیت پیش رفته است؟
۴. تحلیل مؤلفه ای صورت فعلی «بصر» در ساخت های مفهومی صحیفه سجاده در خوشه توافقی با معنای کانونی قرار دارند یا این که خوشه تقابلی قرار دارند؟

۲-۱. روش پژوهش

شیوه گردآوری داده ها و اطلاعات در تحقیق کنونی، کتابخانه ای است. این جستار، با رویکرد توصیفی (هم زمانی) (Diachronic) و روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است تا انعطاف معنایی سرمنونه را در صورت فعلی «بصر» با تکیه بر اصل مقوله بندی در بافت زبانی صحیفه سجاده در قالب شبکه شعاعی و با تحلیل معنی شناسانه ترسیم کند. لازم به ذکر است که سرمنون با توجه به میزان فراوانی داده های مقوله از دعاهای صحیفه سجاده انتخاب شده است. از طرفی، معیار اصلی، متن صحیفه سجاده است. بنابراین، از پرداختن به ترجمه های این کتاب مقدس صرف نظر شده است. به نوعی دیدگاه مترجمان، محور پژوهش پیش رو نبوده، بلکه صرفاً قالب های مفهومی دعاها مد نظر است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون بافت زبانی صحیفه سجاده در پرتو اصل مقوله بندی زبان شناسی شناخت گرا مورد بررسی قرار نگرفته است. البته این امر به معنای نفی پژوهش های زبان شناسی شناخت گرا بر صحیفه سجاده نیست، بلکه نحوه پردازش مطالعات ذیل مباحث زبان شناسی متفاوت است. در موضوع مورد بحث شبکه شعاعی و معنای هسته در اصل مقوله در زبان شناسی شناخت گرا طرح مفهوم می شوند که به طور کلی، از این زاویه، میراث دینی - اسلامی صحیفه سجاده آنالیز نشده است. علاوه بر این، گستره معنایی فعل «بصر» صورت گرفته است که در این زمینه، صرفاً پیشینه مرتبط با مشتقات «بصر» بیان می شود.

حسین محمدی (۱۳۹۰) در پایان نامه ای با عنوان «معناشناسی "بصیرت" در نهج البلاغه» با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی به ذکر واژه های هم نشین و جانشین «بصیرت» پرداخته است. فرزانه اسلامیان (۱۳۹۵) در مقاله «"بصیر" و هم خانواده های آن در قرآن: معناشناسی واژگان با رویکرد ساخت گرا» با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی،

مطالعه‌ای زبان‌شناختی داشته است. دو تحقیق مذکور، براساس اصل مقوله‌بندی و با محوریت شبکه شعاعی و پیش‌نمونه پیش‌نرفته‌اند.

مریم محمودی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه «معناشناسی واژه بصر در قرآن» با رویکرد تاریخی (در زمانی) (Diachronic) به بررسی تبارشناسی واحد زبانی «بصر» از قبل از اسلام پرداخته است. علاوه بر این، زنجیره‌واژگانی (در دو سطح واژه‌های مترادف و متضاد) مرتبط با «بصر» را در پرتو نظریه میدان‌های معنایی بررسی کرده است. چنان‌که پیداست این تحقیق، درصدد استخراج زنجیره‌واژگانی و تحقیق پیش‌رو به دنبال استنباط گستره معنایی «بصر» است. بر این اساس، وجه تمایز آن دو کاملاً واضح است.

مریم بخشی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «قالب‌های معنایی فعل "أبصر" در قرآن کریم و بررسی ترجمه آن‌ها بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور»، به بررسی تطبیقی ترجمه‌های انصاریان، فولادوند، خرمشاهی و مکارم شیرازی پرداخته‌اند. نویسندگان نگاهی جامع به صورت زبانی «بصر» نداشته‌اند، بلکه صرفاً «ابصر» یا همان باب افعال فعل «بصر» را بررسی کرده‌اند. معنای پایه در این اثر، «دیدن ظاهری با چشم سر» بیان شده است که این امر برحسی بودن آن دلالت دارد و مفهوم انتزاعی را از آن نفی می‌کند. چنین نتیجه‌ای با معنای هسته در پژوهش پیش‌رو تفاوت دارد. مشخص است که این جستار با موضوع مورد بحث هم‌پوشانی ندارد.

فاطمه اکبری آلانق (۱۴۰۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «معناشناسی افعال «رأی»، «نظر» و «بصر» در قرآن و نهج‌البلاغه» بدون تکیه بر شبکه معنایی و پیش‌نمونه به چند معنایی این صورت‌های زبانی پرداخته است. به نوعی در این اثر، نحوه پردازش موضوع با تحقیق پیش‌رو کاملاً متفاوت است.

همان‌طور که مشخص است، پیرامون «بصر» و مشتقات آن در قرآن و نهج‌البلاغه مطالعاتی صورت گرفته است؛ اما اغلب نگاهی جامع به صورت فعلی «بصر» نداشته‌اند. علاوه بر این، این واحد زبانی در دستگاه معنایی صحیفه سجادیه محل اهتمام قرار نگرفته است. چنانچه پیداست تحقیق پیش‌رو برای نخستین بار فعل حسی - انتزاعی «بصر» را در بافت زبانی صحیفه سجادیه از منظر زبان‌شناسی شناخت‌گرا با محوریت شبکه شعاعی و سرنمونه در اصل مقوله‌بندی بررسی می‌کند.

۲. نظریه مقوله‌بندی در پرتو زبان‌شناسی شناخت‌گرا

زبان‌شناسی شناخت‌گرا - که در ضمن آن معناشناسی تعریف می‌شود - رویکرد جدیدی

در مطالعه علمی و نظام‌مند معناست که الگوهای مختلفی چون اصل مقوله‌بندی را جهت دسته‌بندی معانی نسبی یک واژه در حوزه‌های گوناگون ارائه می‌دهد. در این رهیافت که مقوله‌های زبانی از مقوله‌های شناختی ادراکی منشأ می‌گیرند:

روش‌های نوینی برای تحلیل متن وجود دارد که بر این مبنا، روابط مفهومی میان معانی یک مدخل واژگانی در قالب یک شبکه معنایی ترسیم شود.^۱

در زبان‌شناسی شناخت‌گرا:

معناشناسی واژگانی (Lexical semantics) پدیده چند معنایی (Polysemy) و بحث برانگیزی است، و زمانی اتفاق می‌افتد که عنصر واژگانی، چند معنای مجزا، ولی مربوط به هم داشته باشد.^۲

این چندمعنایی - که در بافت زبانی شکل گرفته - مبنایی برای مقوله‌بندی قرار می‌گیرد. چندمعنایی واژگانی یعنی:

یک صورت زبانی به دلیل هم‌نشینی با صورت‌های دیگر، معانی متفاوتی می‌یابد که برای اهل زبان معانی مختلف آن واژه به حساب می‌آیند.^۳

البته باید توجه داشت که معانی ناشی از با هم‌آیی‌های بافتی نسبی بوده و مطلق نیست. به عقیده اونزو تایلر، چندمعنایی یک واحد زبانی:

شبکه معنایی نظام‌مندی را به وجود می‌آورد که پیرامون یک مفهوم پیش‌نمونه و کانونی شکل می‌گیرد.^۴

در این باره آمده است که:

سرنمون و مقوله شعاعی از موضوعات مطرح در زبان‌شناسی شناخت‌گرا هستند که معنی‌شناسی را نه تنها با حوزه‌های شناختی، بلکه با فرآیند «مقوله‌بندی» مرتبط می‌داند.^۵

۱. «دلالت‌های معنایی فعل حسی "نظر" در گفتمان حاکم بر نهج البلاغه بر اساس شبکه شعاعی و پیش‌نمونه»، ص ۵۷.

۲. "Applying cognitive linguistics to pedagogical grammar, the case of Over", P 67.

۳. درآمدی بر معنی‌شناسی، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۴. The Semantic of English Prepositions, (Spatial senses, embodied meaning and Cognition), refer to: Pp 45-58.

۵. "Cognitive Linguistics: An Introductory Sketch", P 13.

در مقوله «برجسته‌ترین عضو، به عنوان پیش‌نمونه در مرکز و اعضای دیگر بر اساس میزان برجستگی دورتر یا نزدیک‌تر به آن قرار می‌گیرند»^۱ پدیده چندمعنایی که ناشی از «توسیع معنا و ارتباط معانی گوناگون واژه‌ها است»^۲ موجب شد که زبان‌شناسان شناختی برای چند معنایی در یک شبکه شعاعی:

ساختاری مدور متصور شوند که مفهوم پیش‌نمونه در کانون آن، قرار بگیرد و سایر معانی که هر یک با این مفهوم کانونی تفاوت دارند در فواصلی از کانون روی شعاع این دایره قرار بگیرند.^۳

در مقوله شعاعی:

توسیع معنایی به دو صورت امکان‌پذیر است؛ توسیع شمولی و توسیع مجازی. توسیع شمولی: گاهی از معنای مرکزی با تغییرات جزئی معنای دیگری را به دست می‌آوریم. این معانی، معانی مجازی نیستند، بلکه در دایره معانی حقیقی قرار می‌گیرند.

توسیع مجازی: نوع دیگر توسیع معنایی، در مورد معانی مجازی وجود دارد. در این صورت، معانی جدید از دایره معانی حقیقی خارج می‌شوند.^۴

(در ادامه ساختار مدور «بصر» با محوریت توسیع شمولی و مجازی رسم می‌شود). لازم به ذکر است که با توجه به اصول مطرح شده از زبان‌شناسی شناخت‌گرا برای کشف «مقوله شعاعی معنایی» یا به تعبیر دیگر، معناشناسی علمی مدخل واژگانی «صبر» تحلیل محتوایی با تکیه بر بافت زبانی در محور ترکیبی، با توجه به هم‌آیی‌های واحد زبانی «صبر» یک اصل مهم است.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در معناشناسی شناخت‌گرا اصلی با عنوان «مسئله انطباق» در هم‌آیی‌های بافتی برای استنباط معانی حاشیه‌ای مفهوم هسته تعریف می‌شود؛ بدین معنا که «وقتی واحدهای معنایی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جرح و تعدیلی در معنای اجزای هم‌نشین به وجود می‌آورد. لنگ‌اکر برای ایضاح این نکته فعل «دویدن» (run) را مثال می‌زند.

۱. نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی، ص ۳۸۵.

۲. معناشناسی شناختی قرآن، ص ۳۱۲.

۳. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معنی‌شناسی شناختی، ص ۳۸.

۴. معناشناسی شناختی قرآن، ص ۷۶.

این فعل معمولاً به معنای حرکت سریع حیوانات دارای پاست؛ ولی شیوه دویدن انسان با شیوه دویدن اسب و دیگر حیوانات تفاوت دارد. فرآیند مدلول این فعل در هر حیوانی انطباق پیدا می‌کند؛^۱ یعنی باهم آبی واحدهای زبانی در محور افقی، منجر به جرح و تعدیلی در بار معنایی صورت‌های واژگانی می‌شود که بسته به نوع بافت، جرح و تعدیل شدت و ضعف می‌یابد و مهم‌ترین که این جرح و تعدیل نسبی است.

چنین دیدگاهی با این اصل نظریه بافت: معنای کلمه، همان «کاربرد آن در زبان» یا «شیوه کاربرد آن» و یا «نقشی که ایفا می‌کند»،^۲ همسویی دارد.

کارکرد معنایی واژه در بافت کلام، در ادامه با شواهد منتخب از صحیفه سجاده بررسی خواهد شد. در پرتو این اصل، هم‌نشین‌های عنصر واژگانی «صبر» در دستگاه معنایی صحیفه سجاده برای این مهم دلالت دارد که حضرت امام علیه السلام با ساخت‌های مفهومی جدید از این واژه، اغلب بر مفهوم انتزاعی آن تکیه دارد. از این رو، سعی می‌شود معانی حاشیه‌ای در خوشه توافقی و تقابلی و همچنین بسط شمولی و مجازی با سرنمون سنجیده شوند.

توافقی و تقابلی بدین معنا که هرچه معانی حاشیه‌ای در بدیهیات معنا با معنای مرکزی نزدیک‌تر باشند در خوشه توافقی با آن قرار دارند و هرچه در بدیهیات معنا از آن فاصله بگیرند، در خوشه تقابلی با آن قرار دارند. شایان ذکر است که تقابل در این نظریه، مفهومی عام دارد.

۳. بحث و بررسی

بررسی مجموع ۵۴ دعای صحیفه سجاده که با مطالعه توصیفی (هم‌زمانی) به بافت زبانی و در محور ترکیبی - افقی با تکیه بر با هم آبی‌های بافتی صورت گرفته، بیانگر این مسئله است که مدخل واژگانی حسی - انتزاعی «بصر» به همراه دیگر مشتقاتش با بسامد ۲۶ در این دعاها استفاده شده است.

این صورت زبانی در ساختار فعلی (ثلاثی مزید) و اسمی (اسم، مصدر، اسم فاعل و جمع مکسر) در بافت زبانی صحیفه سجاده استعمال شده است. در صورت فعلی ثلاثی مزید در باب تفعیل و افعال به کار رفته که باب تفعیل بیشترین فراوانی را داشته است. فعل ثلاثی

۱. معناشناسی شناختی قرآن، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.

۲. معنی‌شناسی، ص ۶۵.

مجرد «بصر» در ساختار فعلی مشاهده نشده است. جمع مکسر نسبت به مجموع ۲۶ تقریباً بسامد خوبی داشته است. در کل، جمع مکسر و باب تفعیل بیشترین بسامد را داشته اند که جمع مکسر مستقیم از مصدر ثلاثی مجرد گرفته شده و در یک مورد جمع مکسر از مصدر تفعیل استعمال شده است، و امام سجاد علیه السلام صورت اسمی را نسبت به صورت فعلی بیشتر به کار برده است.

لازم به ذکر است که ساختارهای صرفی مختلف «بصر» علاوه بر این که در استنباط مفهوم مرکزی حائز اهمیت است، در تعیین مخاطب و مصداق، نتیجه (اینکه نتیجه را به مخاطب واگذار می کند یا امام علیه السلام نتیجه را نسبت به مخاطب اعمال شده می بیند) نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. این مهم در ادامه تحلیل خواهد شد. همان طور که ذکر شد، بررسی فرهنگ لغت های معتبر زبان عربی برای امر دلالت دارند که «دیدن ظاهری و درک باطنی»^۱ معنای تأیید شده صورت زبانی «بصر» است؛ اما اگر میزان فراوانی این عنصر واژگانی در بافت صحیفه سجاده مبنا قرار بگیرد، وجه انتزاعی در این کتاب شریف بیشترین بسامد را دارد که انعطاف معانی حاشیه ای حاصل تکثیر آن هستند. در نتیجه، در بافت زبانی مذکور، با توجه به وجه غالب، دیدن ظاهری در بدیهیات معنای منتخب سرنمون مشاهده نمی شود، بلکه پیش نمونه «ایجاد آگاهی در مردم» وجه غالب در «بصر» و مشتقاتش بوده است. لازم به ذکر است که از معانی بدیهی همچون درک ظاهری و باطنی و همچنین معانی با تکرار بالا چون «آگاهی و بینش» در رابطه با «بصر» صرف نظر می شود و مهم ترین معانی حاشیه ای مقوله شعاعی تحلیل و بررسی می شوند.

۱-۳. جرح و تعدیل در بار معنایی واحد زبانی «بصر»

۱-۱-۳. جرح و تعدیل در وجه حسی بودن «بصر»

بررسی متن صحیفه سجاده بیانگر این مهم است که مفهوم حسی «بصر» در بافت زبانی و با توجه به باهم آیی ها و دلالت های درون زبانی در معرض جرح و تعدیلاتی قرار گرفته است و از ماهیت ارجاعی خارج شده و صورتی انتزاعی به خود می گیرد.

آن جا که امام سجاد علیه السلام در ضمن دعا برای فرشتگان و حاملان عرش به نکوهش

۱. المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۹؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۷۹ و ۲۷۸.

انسان‌هایی پرداخته که در دنیا اسیر غرایز و شهوت شده‌اند، می‌گوید:

الْخُشْعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ، النَّوَاكِيسُ الْأَذْقَانِ، الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَاكَ، وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَجَلَالِ كِبْرِيَاكَ.^۱

امام زین‌العابدین علیه السلام در دعای مذکور، گروه خاصی از انسان‌ها را مخاطب قرار داده است و به نوعی با جمع مکسر بستن واحد زبانی «بصر» مخاطب خاص را هدف اصلی پیام این بند دعا قرار داده و عموم مردم محوریت بحث نبوده است؛ زیرا در این صورت عامه مسلمانان نیز مشمول چنین دعایی خواهند شد. به نوعی امام علیه السلام با به کارگیری قیودی (در ادامه خواهند آمد) تفکیکی میان عموم مردم قائل شده است که دقت نظر در سبک سخن ایشان در تأیید این مضمون است.

با توجه به اصول مطرح شده در نظریه مذکور، اگر بافت کلام معیار قرار نگیرد، ذکر عبارت «الْخُشْعُ الْأَبْصَارِ» وجه فیزیکی (حسی) «بصر» را به ذهن متبادر می‌کند؛ اما امام سجاد علیه السلام با استعمال قیود مختلف «فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ»، «النَّوَاكِيسُ الْأَذْقَانِ» و ... جرح و تعدیلی بر بار معنایی «الأبصار» اعمال می‌کند و آن را از یک پدیده زبانی و ارجاعی به پدیده غیرزبانی و غیرارجاعی تبدیل کرده و وجه انتزاعی به آن می‌بخشد.

مشخص است که باهم آبی واحدهای زبانی و سبک پیوند آن‌ها به همدیگر، نوعی قالب مفهومی ایجاد کرده تا از «الْخُشْعُ الْأَبْصَارِ» پشیمانی به ذهن خطور کند. چنین کاربرد معنایی کلمه یادآور باور طرفداران رویکرد بافتی است بر این مبنا که:

بیشتر واحدهای معنایی در مجاورت واحدهای دیگر قرار می‌گیرند. معانی این واحدها تنها با ملاحظه واحدهای دیگری که در کنار آن‌ها واقع می‌شوند، قابل توصیف یا تعیین هستند.^۲

بنابراین، در متن فوق، «الأبصار» به عنوان ابزار دیدن از پدیده عینی و حسی به مفهوم انتزاعی تغییر یافته است. توضیح بیشتر این‌که امام علیه السلام به هدف تأثیرگذاری بیشتر به کمک یک امر عینی، مفهومی انتزاعی را تصویرسازی می‌کند. هر چند که نمونه اعلا یا همان معنای مرکزی نیز مفهومی انتزاعی است و معانی حاشیه‌ای حاصل بسط آن هستند، اما از آن‌جا که

۱. دعای سوم، بند ۸.

۲. معنی‌شناسی، ص ۶۵.

مفهوم «پشیمان» از معناهای مفروض هسته (ایجاد آگاهی) فاصله زیادی گرفته است، چنین توسیعی را می‌توان مجازی و در خوشه تقابلی با پیش‌نمونه دانست. این میزان انعطاف‌پذیری در معنای یک عنصر واژگانی را هم‌نشین‌ها تعیین می‌کنند توضیحات فوق درباره «بصر» مؤید این مسئله است.

در دعای یکم، بند چهاردهم امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

حَمْدًا تَقْرُبُهُ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيُّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْصَارُ.

در این متن، «الأبصار» در کلام امام سجاد علیه السلام به ظاهر مطابق با وجه نخست معنای فرهنگ لغتی آن (معنای هسته منظور نیست) به کار رفته است. اما از آن جا که سیاق کلام ناظر به قیامت است، یعنی معنای حاکم بر بافت، سبب انعطاف در بار معنایی «الأبصار» شده و آن را از عینی بودن به انتزاعی سوق می‌دهد.

سبک سخن امام زین‌العابدین علیه السلام بر این امر دلالت دارد که مخاطب دعای فوق، عامه مسلمانان هستند که آثار اعمالشان در قیامت خوشحالی آنان را به دنبال دارد. در این جا اشاره به دو معنای صوری و ضمنی در نظام معناشناختی گفتمان را که این‌گونه تعریف می‌شوند:

معنای صوری بیشتر با مسائل حسی - ادراکی (حواس پنج‌گانه) مرتبط است در حالی که معنای ضمنی مسائل ذهنی و مفاهیم را در بر می‌گیرد.^۱

شاید بتوان بر کاربرد کلمه در بافت تطبیق داد؛ برای این مبنا که معنای ضمنی «الأبصار» در این سیاق، مفهوم ذهنی «خوشحالی» است.

امام زین‌العابدین این نوع از خوشحالی را قطعی و حتمی می‌داند و در عبارت «إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ» با نوعی بسط استعاری به کمک امر فیزیکی، امری انتزاعی (خوشحالی) را مفهوم‌سازی می‌کند و با استنادی که در این بافت زبانی میان صورت فعلی «بَرَقَتِ» و «الأبصار» برقرار کرده است، به دیگر بیان، با انطباق فعل با فاعل که از آن‌ها به دلالت‌های درون‌زبانی یاد می‌شود و دیگر با هم‌آیی‌ها تغییراتی در معنا ایجاد شده که واضح است؛ از این جهت که مفهوم «خوشحالی» انتزاعی بوده در چارچوب انتزاعی بودن معنای مرکزی پیش‌رفته است؛ اما جرح و تعدیل در بار معنایی واحد زبانی «الأبصار» تا حدی شدت

۱. مبانی معناشناسی نوین، ص ۱۳۳.

داشت که با فاصله گرفتن از بدیهیات معنایی نمونه اعلاد در این بافت توسیع مجازی بر آن عارض شده است و در خوشه تقابلی با معنای هسته قرار دارد. در دعایی دیگر، بیان شده است:

لَوْحٌ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أُعِدَّتْ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكَرَامَةِ.^۱

در این دعا، امام سجاده علیه السلام عقیده دارد که با تصویرسازی بهشت برین زمینه آگاهی و بینش مرزدارن فراهم می شود. از این رو، عنصر واژگانی «أبصار» علاوه بر بسط معنا، بیشتر مؤلفه های معنای هسته را دارد؛ چرا که در بافت زبانی و در اثر انطباق با دیگر واحدهای زبانی از «أبصار» یک پدیده زبانی - ارجاعی به ذهن خطور نمی کند، بلکه مفهوم ذهنی - انتزاعی «آگاهی و بینش» پیام اصلی آن است. به عبارت دیگر، به نوعی با نمونه اعلام پوشانی دارد. این بار معنایی در توسیع شمولی معنای هسته و در خوشه توافقی با آن قرار دارد.

امام سجاده علیه السلام در بند مذکور چنین آگاهی را امری مبرم و ضروری دانسته که صورت امری مدخل واژگانی «لَوْحٌ» بر این الزام دلالت دارد. از آن جا که دعا برای تقویت ایمان مرزدارن بوده، می توان گفت که مخاطب، خاص است.

بررسی شواهد فوق نشان می دهد که امام با بسط استعاره و به کمک صورت عینی واحد زبانی «بصر» وجه انتزاعی آن را مفهوم سازی می کند. در این صورت وجه حسی - فیزیکی آن نادیده گرفته می شود.

۱-۲-۳. جرح و تعدیل در وجه انتزاعی بودن «بصر»

۱-۲-۱-۳. تبدیل مفهوم ذهنی - انتزاعی به پدیده حسی - عینی

تحلیل محتوایی متن صحیفه سجاده بیانگر این است که مفهوم انتزاعی «بصر» گاهی به دلیل دلالت های برون زبانی جرح و تعدیلاتی بر آن عارض شده و به یک پدیده زبانی - عینی تبدیل شده است. در دعای ۲۵ بند ۳ که درباره دعای پدر و مادر برای فرزندان است، آمده است:

أَوْ اجْعَلُهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ.

در این دعا - که امام سجاده علیه السلام صورت اسمی «بُصْرَاءَ» را به کار برده است - روابط مفهومی و هم آیی واژه ها در متن دعا، دو ساخت مفهومی را ایجاد کرده است:

۱. دعای ۲۷، بند ۴.

الف: به اعتبار این که جمع مکسر «بُصْرَاءَ» از مصدر «بصیر» است، اغلب مؤلفه‌های معنایی نمونه اعلا را در ضمن خود دارد و نتیجه بصیرت و آگاهی را اعمال شده می‌بیند. به دیگر بیان، گویا دلیل استفاده امام زین العابدین از جمع مکسر «بُصْرَاءَ» این است که با قرار دادن آگاهی و بصیرت در انحصار فرزندان، آنان را به درجه‌ای از اندیشیدن دقیق برساند که توانایی درک باطنی امور را داشته باشند. صورت امری فعل مورد استفاده تأکید امام سجاد علیه السلام را بر این امر می‌رساند.

از طرفی، انطباق «بُصْرَاءَ» در محور افقی با اسم فاعل نشان می‌دهد که امام زین العابدین بیشتر به جنبه اشتقاقی کلمه توجه داشته است؛ زیرا که چنین وجهی به دلیل عدم تقید به زمان تأکید بیشتری دارد و با الزامی که محوریت بحث امام سجاد علیه السلام بوده همخوانی دارد. دلیل استفاده نکردن از فعل این است که در فعل بیشتر تأکید روی زمان بوده و جنبه اشتقاقی آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این زاویه، صورت اسمی «بصراء» با حفظ مفهوم انتزاعی و هم‌پوشانی بالایی مشمول توسیع شمولی و خوشه توافقی نسبت به نمونه اعلامی شود.

ب: به اعتبار مصداق - که فرزندان بوده - از صورت اسمی «بصراء» پدیده عینی اشخاص بصیر به ذهن خطور می‌کند. با این که اصل مفهوم «بُصْرَاءَ» ذهنی - انتزاعی است، اما با مصداق قرار دادن برای آن، ماهیتی ارجاعی به خود گرفته و به یک پدیده زبانی تبدیل می‌شود تا با گونه‌ای بسط استعاری مفهوم انتزاعی «بُصْرَاءَ» با ماهیت عینی «فرزندان» تصویرسازی می‌شود؛ زیرا وجود فرزندان به عنوان ماهیتی عینی و پدیده خارجی قابل اشاره است. در نهایت، امام سجاد علیه السلام در این بافت زبانی فرزندان را نمونه عینی بصیرت جلوه می‌دهد؛ یعنی فرزندان که صاحب بصیرت هستند.

روابط مفهومی واحدهای زبانی نشان می‌دهد که مصداق در این بافت، به دلیل هم‌نشینی با صورت زبانی «بُصْرَاءَ» از ترفیع معنایی برخوردار شده است. از این زاویه، واحد زبانی «بصراء» از معنای مرکزی فاصله زیادی گرفته است. بنابراین، نه تنها مؤلفه‌های معنایی مرکزی را حفظ نکرده، بلکه با تغییر مفهوم انتزاعی به یک پدیده زبانی تبدیل شده است. از این رو، بار معنایی که بر این مبنا بر «بصراء» عارض شده در توسیع مجازی و خوشه تقابلی با هسته قرار دارد.

امام علیه السلام در دعای ۶ بند ۶ - که مضمونی ارشادی داشته - وقتی به خاطر نعمت شب و روز به حمد و ثنای خداوند می‌پردازد، می‌گوید:

وَخَلَقَ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَتَّبِعُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَلِيَسَّيِّبُوا إِلَىٰ رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ ...

در چارچوب انتزاعی بودن معنای مرکزی پیش نرفته است و مفروضات معنایی پیش نمونه را حفظ نکرده است. در دعای مذکور، صورت اسم فاعلی «مُبْصِرًا» از باب افعال بوده و کاربرد این ساختار اسمی در این سیاق، در بردارنده نوعی تشخیص بوده که روشنایی را به روز نسبت داده است. در واقع، انطباق فعل، فاعل، مفعول، حال و برقراری چنین اسنادی، سبب شده که «مبصر» وجه حسی - عینی به خود بگیرد. براین اساس، مشمول توسیع مجازی و خوشه تقابلی نسبت به نمونه اعدا در شبکه معنایی ایجاد شده می‌شود. در ادامه، با این فرض که بسط مجازی با خوشه تقابلی همخوانی دارد یا خیر؟ جستار کنونی پیش می‌رود.

۲-۲-۱-۳. بسط مجازی و تقابلی مفهوم انتزاعی

امام سجاده علیه السلام در دعای ۲۶ بند ۳، وقتی از دوستان و همسایگان یاد می‌کند و از خداوند برای عاقبت بخیری آنان و توانایی گذشت کردن دعا می‌کند، می‌فرماید:

وَأَغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَفَّةً.

با توجه به فضای حاکم بر دعا انطباق صورت اسمی «بصر» با صورت فعلی «أَغْضُ» بیانگر مفهوم انتزاعی «چشم پوشی کردن» یا همان گذشت است. در این که مفهوم پیش نمونه نیز ذهنی - انتزاعی بوده شکی نیست، اما مفهوم انتزاعی «چشم پوشی» به عنوان معنای حاشیه‌ای با مفهوم انتزاعی «ایجاد آگاهی» به منزله معنای مرکزی در مؤلفه‌های معنایی فاصله بسیاری گرفته است و اغلب مفروضات اولیه را ندارد. بنابراین، در معرض جرح و تعدیلات زیادی قرار گرفته، هرچند که مفهوم انتزاعی را حفظ کرده است؛ اما در خوشه تقابلی و توسیع مجازی با سرنمونه قرار دارد. البته باید توجه داشت که در تقابل بودن معنای حاشیه‌ای با مرکزی به معنای بار منفی و تنزل معنایی نیست. براین اساس، بار معنایی که در اثر دلالت‌های درون زبانی بر صورت اسمی «بصر» عارض شده ایجابی است.

امام سجاده علیه السلام در دعای ۳۱ بند ۹ صحیفه سجاده با تکرار همنشینی صورت فعلی «عَمَّصَ» با صورت اسمی «بصر» قالب مفهومی جدیدی ایجاد کرده است؛ آن جا که می‌گوید:

فَمَثَلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعاً، وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعاً.

این جاست که میزان کاربرد معنایی کلمه در بافت معنا پیدا می‌کند؛ زیرا در اثر انطباق مفعول با فعل، مفهوم انتزاعی «خشوع» استخراج شده است که با مفهوم قبلی «چشم‌پوشی» تفاوت دارد. ریشه اصلی این امر، همان منظومه فکری امام سجاد علیه السلام بوده که انواع بافت‌ها؛ زبانی، موقعیتی، عاطفی و فرهنگی در ضمن آن قرار می‌گیرند. درباره قلمرو معنایی کلمات آمده است:

در کنار قوانین وضع و دلالت، قوانین دیگری نیز وجود دارد که قلمرو معانی کلمات را می‌کند و یا توسعه می‌بخشد. به بیانی دیگر، هر واژه در لغت‌شناسی یک معنای وضعی دارد؛ اما همان واژه وقتی در جمله‌ای خاص و درون یک متن قرار می‌گیرد، آن متن پوششی بر آن معنای وضعی می‌گذارد.^۱

براین اساس، استناد به دو شاهد فوق سند محکمی است در نسبی بودن معنا ذیل نظریه‌های نوین زبان‌شناسی شناختی. در این دعا - که مخاطب خاص است - با کنارهم‌گذاری واژگان با هم بار ایجابی به مدخل واژگانی «بصر» تحمیل شده است. خلاصه، واحد زبانی «بصر» در این محور ترکیبی نیز مفهومی انتزاعی به خود گرفته است؛ اما به دلیل تفاوت در بدیهیات معنا در خوشه تقابلی و توسیع مجازی با معنای هسته در شبکه شعاعی ایجاد شده قرار دارد.

در جایی دیگر، روابط مفهومی در محور افقی، جرح و تعدیل زیادی در بار معنایی مدخل واژگانی «بصر» ایجاد کرده که این واحد زبانی در این صورت منفی بیشترین فاصله را در کسب مؤلفه‌های معنایی از پیش نمونه دارد، آن‌جا که امام سجاد علیه السلام در بند ششم دعای نهم می‌گوید:

فَأَيُّدُنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَسِدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَأَعْمُ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَلَا نَجْعَلْ لِسِيٍّ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوداً فِي مَعْصِيَتِكَ.

انطباق «أبصار» با «أعم»، و هم‌آیی آن با «عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ»، سبب تنزل معنایی و فاصله گرفتن از معناهای مفروض در بالاترین حد ممکن شده است تا جایی که در این محور افقی معنای ایجابی «عدم آگاهی و بصیرت» را به خود گرفته است. درباره بار معنایی

۱. تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، ص ۴۰۸.

کلمات آمده است:

کلمه تا حدودی معنایی مبهم دارد؛ اما تنها از طریق ملاحظه، کاربرد آن مشخص می‌شود. ابتدا کاربرد می‌آید و سپس معنا از آن ریزش می‌کند.^۱

تطبیق این باور در این سیاق به این دلیل حائز اهمیت است که اگر صرفاً معنای حاشیه‌ای با معنای مرکزی مقایسه سطحی شود، چنین تصور می‌شود که در این بافت زبانی بار منفی به عنصر واژگانی «بصر» عارض شده است. اما با توجه به بافت موقعیتی و قید زدن بر عدم آگاهی با عبارت «عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ» مشخص می‌شود که امام زین‌العابدین هر نوع بصیرتی را سفارش نمی‌کند.

در این بافت، معنای حاشیه‌ای در معرض بیشترین جرح و تعدیلات قرار گرفته و در خوشه تقابلی و توسیع مجازی با معنای هسته قرار دارد. در این دعا - که جنبه ارشادی دارد - مخاطب این نوع از عدم بصیرت، عام است و صورت امری فعل بر ضرورت آن نزد امام سجاده علیه السلام تأکید دارد.

۳-۲-۱-۳. بسط شمولی و توافقی مفهوم انتزاعی

امام سجاده علیه السلام در بند هفتم دعای ۳۱، با کنارهم‌گذاری واژگان از صورت اسمی «بصر»، یک قالب مفهومی جدیدی ایجاد کرده تا معنای «قدرت تشخیص» را اراده می‌کند، آن‌جا که می‌گوید:

كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّىٰ إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَىٰ،
وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَىٰ.

در واقع، معنای حاشیه‌ای «قدرت تشخیص» گونه‌ای از معنای کش‌سانی «آگاهی» است؛ زیرا تا انسان نسبت به امری به آگاهی نرسیده باشد، از قدرت تشخیص برخوردار نخواهد بود. با این‌که معنای فرعی در معرض جرح و تعدیل کمی قرار گرفته است، اما انعطاف معنای حاصل، در زمره توسیع مجازی و خوشه توافقی با معنای مرکزی قرار دارد. ذکر این نکته ضروری است که توسیع مجازی با خوشه توافقی و تقابلی منافاتی ندارد و با توجه به شاهد فوق، این فرض - که هر معنای حاشیه‌ای که حاصل بسط مجازی باشد - در خوشه تقابلی با معنای هسته قرار دارد نقض می‌شود.

۱. معنی‌شناسی، ص ۶۷.

بررسی مدخل واژگانی «بصر» در بافت زبانی صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که این واحد زبانی در باب افعال و تفعیل [در صورت فعلی] و تصریح به واژه «بصیره» با کسب حداکثر مؤلفه‌های معنایی بیشترین نزدیکی را به پیش‌نمونه دارند، آن‌جا که امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ، وَوَفَّقَنِي لِلتَّفُؤُذِ فِيمَا تَبْصُرُنِي مِنْ عِلْمِهِ.^۱

و در بند سوم دعای ۲۷، آن‌جا که درباره دعا برای مرزداران می‌فرمایند:

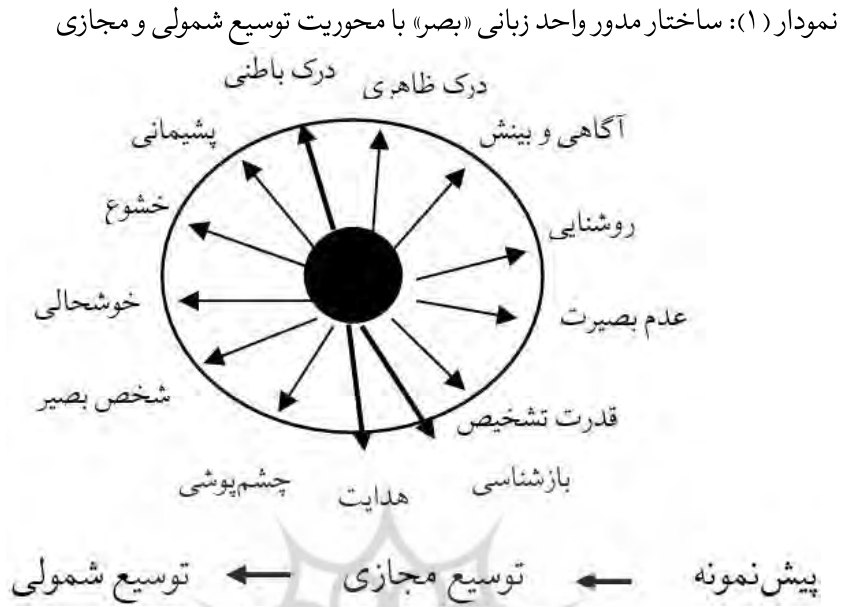
وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ. بند سوم دعای ۲۳:

وَإِنِّي عَلَى الصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي، وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي.

دعاهای ۶، ۱۷، ۲۶، ۳۱، ۴۵ و... صورت واژگانی «بصر» با حفظ مفهوم انتزاعی بر معنای آگاهی و بینش دلالت دارند و به نوعی در معرض کم‌ترین جرح و تعدیل قرار گرفته‌اند؛ با این تفاوت که در باب افعال و تفعیل گویا نتیجه آن را به مخاطب واگذار می‌کند و در واحد زبانی «بصیره» ایجاد وعی را تمام شده می‌بیند.

در تمام این شواهد مشتقات «بصر» مشمول توسیع شمولی بسط معنای اصلی شده و در خوشه توافقی با آن قرار دارد. با توجه به تحلیل و بررسی عنصر واژگانی «بصر» ذیل نظریه مقوله بندی، بسط شمولی و مجازی آن در قالب نموداری ترسیم می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار فوق، بیانگر انعطاف معنای پیش نمونه است که مشمول توسیع شمولی و مجازی می شود. همان طور که فلش ها نشان می دهند، بسط مجازی معنای پیش نمونه نسبت به بسط شمولی بسامد بیشتری داشته است؛ اما اگر ۲۶ بسامد صورت زبانی «بصر» در نظر گرفته شود، معنای آگاهی و بینش نسبت به سایر مفاهیم و مصداق بیشتر تکرار شده است. این مسئله باعث شده که در بسط شمولی و مجازی تعادل برقرار شود. واضح است که معنای درک باطنی، آگاهی و بینش، بازشناسی و هدایت در دایره توسیع شمولی قرار می گیرند. خشوع، خوشحالی، چشم پوشی، عدم بصیرت، روشنایی و حاصل بسط مجازی معنای مرکزی در مقوله شعاعی هستند.

۴. نتایج

بررسی منظومه فکری امام سجاده علیه السلام با تکیه بر دعاهای صحیفه سجاده بر این مهم دلالت دارد که عناصر واژگانی موجود در صحیفه سجاده قابلیت انعطاف پذیری بالایی دارند که این امر، بر ذات سیال متون دینی دلالت دارد.

بافت کلام امام سجاده علیه السلام نشان داد که در مقوله شعاعی معنایی ایجاد شده پیرامون واحد زبانی «بصر» وجه حسی آن در تعیین پیش نمونه نادیده گرفته شده است و این وجه، در

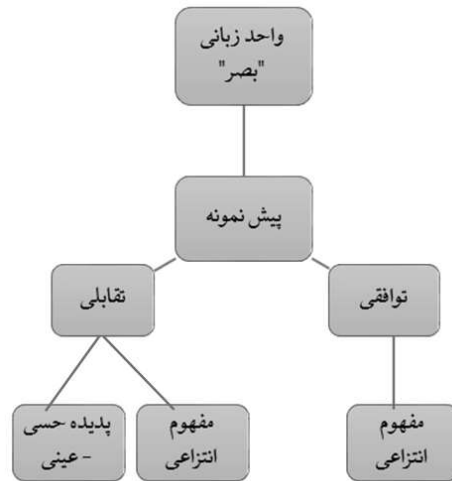
دستگاه معنایی صحیفه سجادیه به عنوان معنای حاشیه‌ای در شبکه شعاعی ظهور می‌کند. مفهوم انتزاعی مدخل واژگانی «بصر» به دلیل بسامد بالا زمینه را برای انتخاب پیش‌نمونه از این مقوله فراهم کرد. از این رو، دقت نظر در شواهد منتخب، سبب شده تا «ایجاد آگاهی در مردم» به عنوان نمونه اعلا برگزیده شود و سایر معانی حاصل بسط این مفهوم انتزاعی باشند.

در بافت زبانی صحیفه سجادیه و با توجه به دلالت‌های درون‌زبانی و تا حدودی برون‌زبانی، جرح و تعدیل در مؤلفه‌های معنایی پیش‌نمونه یکسان نبوده، بلکه شدت و ضعف داشته است، تا جایی که معانی حاشیه‌ای از تنزل و ترفیع معنایی برخوردار شده‌اند. نمونه تنزل معنایی «عدم بصیرت» بوده که بیشترین فاصله را در کسب بدیهیات معنای مرکزی داشته است؛ اما با وجود معنای منفی در آن سیاق، بار ایجابی به خود گرفت؛ زیرا تأکید امام سجاد علیه السلام بر هر نوع بصیرتی نبوده و گاهی، با اعمال قیودی مخاطب را از بعضی بصیرت‌ها بر حذر می‌داشت.

نمونه ترفیع معنایی مصداق قرار دادن فرزندان برای بصیرت است که به نوعی برانحصار آن تأکید داشتند. این معنا با این‌که در خوشه تقابلی و بسط مجازی هسته بوده، با ترفیع معنایی آن منافاتی نداشته است.

صورت فعلی باب افعال و تفعیل و صورت اسمی «بصیره» کم‌ترین جرح و تعدیل را نسب به سرنمون داشته‌اند و با کسب اکثر مؤلفه‌های معنایی آن بیشترین هم‌پوشانی و نزدیکی را با آن داشته‌اند. از طرفی، شبکه شعاعی حاصل از تکثیر معنای هسته در دو بخش: جرح و تعدیل وجه حسی واحد زبانی «بصر» و جرح و تعدیل مفهوم انتزاعی «بصر» بررسی شد که بخش دوم نیز به بسط مجازی و تقابلی مفهوم انتزاعی و بسط شمولی و توافقی تقسیم شد. در این قسمت، این فرض - که بسط مجازی و خوشه تقابلی با هم در یک چارچوب قرار می‌گیرند - نقض شده است؛ زیرا معنای حاشیه‌ای «قدرت تشخیص» - که حاصل توسیع مجازی معنای هسته بود - در خوشه توافقی با آن قرار داشت.

در بافت صحیفه سجادیه استفاده از بسط استعاری برای مفهوم‌سازی یک امر انتزاعی به وسیله یک پدیده عینی بوده است. در نهایت، نمودار بسط معنای هسته در دو خوشه توافقی و تقابلی با محوریت انتزاعی - حسی ترسیم می‌شود.



کتابنامه

- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۳۰ق.
- تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، محمدباقر سعیدی روشن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
- درآمدی بر معنی شناسی، کورش صفوی، تهران، سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
- مبانی معناشناسی نوین، حمیدرضا شعیری، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.
- مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معنی شناسی شناختی، آزیتا افراشی، تهران، نشر نویسه پارسی، ۱۳۹۵ش.
- معناشناسی شناختی قرآن، علی رضا قائمی نیا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- معنی شناسی، احمد مختار عمر، ترجمه: سید حسین سیدی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- نظریه‌های معنی شناسی واژگانی، دیرک گیرتس، ترجمه: کوروش صفوی، تهران، نشر علمی، چاپ سوم، ۱۳۹۸ش.
- نگاهی تازه به معنی شناسی، فرانک ر پالمر، ترجمه: کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ش.

«دلالات های معنایی فعل حسی "نظر" در گفتمان حاکم بر نهج البلاغه بر اساس شبکه شعاعی و پیش نمونه»، الهام بابلی بهمه و سید محمدرضی مصطفوی نیا، پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۴۴، ۱۴۰۲ش.

“Applying cognitive linguistics to pedagogical grammar, the case of Over”, Tyler, A. & Evans, V, cognitive linguistics, second language acquisition and foreign language teaching, by M. Achard & S. Niemier, mouton de gruyter. 2004 M.

“Cognitive Linguistics: An Introductory Sketch”, - Hilferty, J, In M. Lorente etal. La gramatica I la semantica en l'estudi de la variaci. Barcelona, Promocionesy Publicaciones Universitarias, 2001 M.

The Semantic of English Prepositions, (Spatial senses, embodied meaning and Cognition), Evans, V. & Tyler, A, Cambrige, Cambridge University Press, 2003 M.

